

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی*

دکتر سیدعلی‌رضا افشانی**، عباس عسکری‌ندوشن***، سمیه فاضل نجف‌آبادی****

چکیده: در سالیان اخیر، تغییراتی مهم در تدوین کتاب‌های درسی صورت پذیرفته و محتوای آن‌ها بازنگری شده است. تحقیق حاضر، شیوه‌ی بازتولید نقش‌های جنسیتی در محتوای کتاب‌های فارسی دوره‌ی دبستان را مطالعه می‌کند. به همین منظور، محتوای کتاب‌ها در چهار مؤلفه‌ی تصاویر، خویشاوندان، والدین و نقش‌های شغلی با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا مطالعه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تصاویر جنس مذکر به‌وضوح بیشتر از تصاویر جنس مؤنث است. زنان بیشتر در نقش‌های کودکی و نوجوانی و مردان عمدتاً در نقش‌های بزرگ‌سالی به تصویر کشیده شده‌اند. هم‌چنین، خویشاوندان مذکر به‌نحوی چشم‌گیر بیش از خویشاوندان مؤنث منعکس شده‌اند. اگرچه در سالیان اخیر تعداد و تنوع مشاغل معرفی‌شده بیشتر شده، ولی نسبت مشاغل زنانه کمتر و نسبت مشاغل مردانه بیشتر شده است. بر اساس نتایج، انتساب نقش خانه‌داری به زنان کاهش و ترسیم زنان در نقش‌های حرفه‌ای و تخصصی افزایش یافته است. بر خلاف سایر موارد، در معرفی والدین، انعکاس نقش‌های جنسیتی زنان بیش از مردان بود.

واژه‌های کلیدی: هویت جنسی، بازتولید ارزش‌ها، کتاب فارسی، تحلیل محتوا، نقش شغلی.

مقدمه

تمایزهای جنسیتی، منعکس‌کننده‌ی تفاوت‌های زیستی و اجتماعی است که نه تنها شالوده‌ی اصلی ساختارهای اجتماعی هر جامعه را شکل می‌دهد، بلکه خود در بطن نظام فرهنگی جامعه توسعه می‌یابد و به آن الگو

* از آقایان داود لطیفی، حسین ارشدی و خانم‌ها الهام مهرداد، مریم لگانی، و فرشته ملکیان به خاطر همکاری در اجرای این تحقیق و نیز مشارکت در جمع‌آوری داده‌های تحقیق قدردانی و سپاسگزاری می‌گردد.

afshanalireza@yahoo.com

** دکترای جامعه‌شناسی و استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

aaskarin@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و بورسیه هیئت علمی دانشگاه یزد

somayefazel61@yahoo.com

**** کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۸۸

می‌دهد. باورها و تعریف‌های اجتماعی درباره‌ی ویژگی‌ها و رفتارهای متناسب با هر جنس، تمایزها و هویت جنسیتی را در هر جامعه معین می‌کند و از طریق جامعه‌پذیری نسل‌های بعدی، این تمایزها بازتولید می‌شوند. در دهه‌های اخیر، مطالعاتی متعدد به اهمیت اساسی فرایندهای اولیه‌ی جامعه‌پذیری و منشأ و محتوای اجتماعی تمایزهای زنان و مردان توجه نشان داده‌اند (کالب و وئی^۱، ۱۹۸۱؛ برینت^۲ و دیگران، ۲۰۰۱؛ هیگنس و شعارغفاری^۳، ۱۹۹۱؛ آدلر^۴ و دیگران، ۱۹۹۲؛ صادقی‌فسایی و کریمی، ۱۳۸۴؛ حجازی، ۱۳۸۵؛ هومین‌فر، ۱۳۸۲). از جمله سؤال‌های مهم پژوهشی که در کانون توجه این مطالعات قرار داشته‌اند این است که: تمایزهای جنسیتی از چه نقطه‌ای آغاز می‌شوند؟ در چه جاهایی حمایت و تقویت می‌شوند؟ چگونه در جامعه شکلی تثبیت شده و پابرجا به خود می‌گیرند؟ و بالاخره با چه مکانیزم‌هایی بازتولید می‌شوند و در طول زمان استمرار می‌یابند؟

با وجود مشکلات موجود در مشخص کردن اهمیت نسبی سهم هر یک از عوامل درگیر در این رابطه، اغلب صاحب‌نظران بر این باورند که آموزش رسمی و محیط مدرسه یکی از کارگزاران اصلی اجتماعی‌شدن است که در رقابت با دیگر عوامل جامعه‌پذیری، می‌تواند نگرش، اعتقاد و رفتار مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار دهد (برینت و دیگران، ۲۰۰۱؛ کالینز^۵، ۱۹۷۷؛ وایتزمن^۶ و دیگران، ۱۹۷۲؛ کاربیل و هارسی^۷، ۱۹۷۷).

1. Kolbe and Voie

2. Brint

3. Higgins and Shoar-Ghaffari

4. Adler

5. Collins

6. Weitzman

7. Karbel and Halsey

8. Gooden, A. M. and M. A. Gooden

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۸۹

دانش‌آموزان در محیط مدرسه، نقش‌ها و ارزش‌هایی را فرا می‌گیرند که نظام جنسیت یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن است (گودن و گودن^۹، ۲۰۰۱). یادگیری این نقش‌ها و ارزش‌ها می‌تواند پیامدهایی مهم برای رفتارهای بعدی آن‌ها در سنین بزرگسالی به‌دنبال داشته باشد و آن‌را تحت تأثیر قرار دهد (گودن و گودن، ۲۰۰۱؛ آدلر و دیگران، ۱۹۹۲). به همین دلیل، مدارس به‌عنوان یکی از عوامل نیرومند در ایجاد و تقویت روابط جنسیتی الگویافته‌ی فرهنگی اهمیت ویژه دارند.

بخشی قابل ملاحظه از فعالیت‌های دانش‌آموزان در مدرسه حول محور کتاب‌ها و متون درسی است. به‌طوری که برآورد می‌شود ۷۵ درصد از کار کلاسی کودکان در مدرسه و ۹۰ درصد از تکالیف در خانه، حول محور کتاب‌های درسی است (کمیسیون حقوق بشر ایالات متحده^{۱۰}، ۱۹۸۰). کتاب‌ها و مطالب درسی، به مراتب نقشی بیش از انتقال صرف اطلاعات به کودکان را بر عهده دارند. به‌صورتی بسیار ظریف، آهنگ، محتوا و مضامین مطالب درسی در لایه‌های آشکار و پنهان خود می‌تواند الگوهای نقش و استانداردهای قابل‌قبول رفتار متناسب با جنسیت را از طریق مقررات و متون درسی به کودکان آموزش دهد و در ذهن آن‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت یا منفی را ایجاد کند (گین^{۱۰}، ۱۹۷۳). اساساً بخشی از برنامه‌ی درسی مدارس، به‌طور مشخص با این هدف طراحی می‌شود که کودکان را جامعه‌پذیر کند و از طریق آموزش نقش‌های اجتماعی و جنسیتی متناسب، آن‌ها را به اعضای فعال در جامعه تبدیل نماید که به فرهنگ جامعه‌شان تعهد دارند.

با توجه به این‌که کتاب‌های درسی یکی از مهم‌ترین مراجع و منابع یادگیری دانش‌آموزان است و همچنین در سطحی وسیع و گسترده به‌ویژه در نظام‌های آموزشی متمرکز استفاده می‌شوند مطالعه‌ی محتوای آن، موضوعی مهم برای مطالعه است. اهمیت موضوع از هر دو بعد نظری و عملی است. اهمیت نظری آن، به سبب نقشی است که مطالب و مواد آموزشی می‌تواند در شکل‌گیری دیدگاه‌ها و نگرش‌های دانش‌آموزان و همچنین در بازتولید، انتقال و نهادینه‌سازی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ایفا کند و از طریق ارایه‌ی الگوهای رفتاری مناسب و قابل تقلید، تأثیری درازمدت بر نگرش‌ها و رفتارهای فراگیران به‌جا گذارد. اهمیت عملی آن بدین جهت است که برنامه‌ریزی، تغییر، تدوین و روزآمد کردن کتاب‌های درسی همگام با سیر تحولات اجتماعی و مقتضیات آن، از اهداف و نیازهای مبرم در هر نظام آموزشی است.

⁹. US Commission on Civil Right

¹⁰. Ginn

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۹۰

مطالعه‌ی مواد درسی مورد استفاده در نظام‌های مختلف آموزشی در جهان و شیوه انعکاس نقش‌های جنسیتی در آن‌ها، یکی از موضوع‌های مهم مورد توجه در پاره‌ای از مطالعات بوده است (لو و شرارد^{۱۱}، ۱۹۹۹؛ لا و چان^{۱۲}، ۲۰۰۴؛ ایونز و دیویس^{۱۳}، ۲۰۰۰؛ جکسون و وارین^{۱۴}، ۲۰۰۰؛ گودن و گودن، ۲۰۰۱). این مطالعات، همگی تفاوت‌هایی پایدار و قابل ملاحظه را در شیوه‌ی آرایه‌ی نقش‌های جنسیتی در کشورهای مختلف نشان داده‌اند.

به موازات مطالعات فوق، تاکنون تحقیقاتی متعدد نیز به محتوای مواد مختلف درسی در ایران توجه نشان داده و مضامین مربوط به جنسیت را در فحوای آن مطالعه کرده است (شوریش^{۱۵}، ۱۹۸۸؛ مهران، ۱۹۸۹؛ طوبی، ۱۹۸۷؛ هیگنز و شعارغفاری، ۱۹۹۱؛ حجازی، ۱۳۸۵؛ شیخاوندی، ۱۳۸۵؛ عریضی و عابدی، ۱۳۸۲؛ ایمانی و مظفر، ۱۳۸۳). با وجود انجام مطالعات فوق، در سالیان اخیر تغییراتی مهم در برنامه‌های درسی و به تبع آن در تهیه و تنظیم کتاب‌ها و مواد درسی دوره‌ی ابتدایی صورت گرفته است. یکی از این تغییرها، اصلاح و بازنگری کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی است که در سال‌های اخیر با محتوایی جدید چاپ شده است و اکنون در همه‌ی مدارس کشور تدریس می‌شود. با توجه به اهمیت تأثیر کتاب‌های فارسی و جدید بودن محتوای آن‌ها، مطالعه‌ی حاضر قصد دارد تا خلاء مطالعاتی موجود را پر کند و تصویری روشن از شیوه‌ی انعکاس هویت جنسیتی در محتوای کتاب‌های فارسی آرایه دهد.

به‌طور مشخص، این مقاله شیوه‌ی آرایه و انعکاس مفاهیم و مضامین مربوط به نقش‌ها و باورهای جنسیتی را در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی مطالعه می‌کند و شدت و شکل فقدان تعادل در آرایه‌ی نقش‌ها و ویژگی‌های مربوط به زنان و مردان توجه می‌کند. از جمله سؤال‌های مطرح‌شده در مطالعه‌ی حاضر این است که:

- محتوای کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی تا چه اندازه به مقوله‌های جنسیتی پرداخته‌اند؟
- آیا نویسندگان و طراحان برنامه‌های درسی، در تهیه‌ی محتوای دروس آگاهانه یا ناآگاهانه اولویت و تقدیمی خاص را برای یک جنسیت خاص قایل شده‌اند یا خیر؟
- چگونه محتوای کتب درسی، به‌طور رسمی به بازتولید نقش‌های سنتی برای دو جنس پرداخته و تفکرات قالبی سنتی در مورد نقش‌های جنسیتی را تداوم بخشیده‌اند؟

11. Low and Sherrard

12. Law and Chan

13. Evans and Davies

14. Jackson and Warin

15. Shorish

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۹۱

برای پاسخ به این سؤال‌ها، مقاله‌ی حاضر پس از طرح ملاحظات نظری به معرفی داده‌ها و روش تحقیق می‌پردازد. به دنبال آن یافته‌های مطالعه ارایه می‌شود و سپس مقاله با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خاتمه می‌یابد.

مبانی نظری

کودکان از همان ابتدای خردسالی نسبت به مقوله‌ی جنسیت خودآگاهی پیدا می‌کنند (جکسون و وارین، ۲۰۰۰؛ ایونز و دیویس، ۲۰۰۰). با وجود این، معنای هویت جنسی‌شان با سرعتی کندتر رشد می‌کند و تکامل می‌یابد. تفاوت‌های بارز رفتاری و نگرشی بین دو جنس زمانی به صورت چشم‌گیر هویدا می‌شود که کودکان، جامعه‌پذیری را در گروه‌های هم‌بازی، مهد کودک، کودکستان و مدرسه آغاز و با الگوبرداری از رفتار بزرگ‌ترها هویت‌شان توسعه می‌یابد (جکسون و وارین، ۲۰۰۰؛ گودن و گودن، ۲۰۰۱). در دوره‌ی دبستان، کودکان آن چیزی را شروع می‌کنند که گلاسندر^{۱۶} (۱۹۷۵) آن را «جامعه‌ی کودکی»^{۱۷} می‌نامد. در این «جامعه‌ی کودکی» است که آن‌ها کسب هویت خود را، یعنی فراگیری و ارزش‌یابی نقش‌ها و ارزش‌ها را برای رفتارهای بزرگ‌سالی‌شان در آینده، آغاز می‌کنند. در حقیقت، نقش‌ها و رفتارهای جنسیتی یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی همین فرایند کسب هویت به‌شمار می‌رود.

کتاب‌های درسی یکی از کارگزاران اصلی انتقال ارزش‌های اجتماعی در محیط مدرسه هستند. محتوای کتاب‌های درسی گرایش دارند تا زنان و مردان را بیشتر در نقش‌هایی مجسم کنند که منطبق بر کلیشه‌های سنتی و مربوط به گذشته است تا نقش‌های جنسیتی مربوط به زمان حال یا آینده (میسور^{۱۸} و دیگران، ۱۹۹۶). به همین دلیل، یکی از آشکارترین حوزه‌هایی که در آن تبعیض‌های جنسیتی می‌تواند نمایان شود، تدوین و تألیف برنامه‌ها و کتاب‌های درسی است. علاوه بر این، کتاب‌های درسی به‌خصوص از آن‌جا که به صورت منبعی مرجع و موثق از دانش به کودکان ارایه می‌گردد، نقش کلیدی را در شکل دادن به نگرش دانش‌آموزان درباره‌ی جهان اجتماعی و کنش‌گران آن بازی می‌کند (مک‌دونالد^{۱۹}، ۱۹۷۶) و معیارهایی را برای تقلید از رفتارهای مجاز اجتماعی به دختران و پسران آموزش می‌دهد (پیترسن و لاج^{۲۰}، ۱۹۹۰).

16. Glassner

17. Kid Society

18. Measor

19. MacDonald

20. Peterson and Lach

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۹۲

کتاب‌های درسی با مجسم‌سازی تفاوت‌های جنسیتی موجود در نقش‌های اجتماعی، منزلت اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی، دیدگاهی خاص را در مورد جهان اجتماعی به دانش‌آموزان ارائه می‌کند (ویت^{۲۱}، ۱۹۹۶؛ ایوانز و دیویس، ۲۰۰۰) که مهم‌ترین آن، گرایش به حمایت از مشروعیت وضع موجود است (لا و چان، ۲۰۰۴). با وجود این، توجه به این نکته ضروری است که کتاب‌های درسی نه تنها ابزاری هستند که با آن واقعیت اجتماعی به دانش‌آموزان منعکس می‌شود، بلکه هم‌چنین ابزاری هستند که می‌توانند کلیشه‌های موجود را زیر سؤال ببرند، آن‌ها را تضعیف یا متحول کنند (لا و چان، ۲۰۰۴).

هدف پژوهش حاضر، مطالعه‌ی نحوه‌ی ارائه‌ی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌ها و مطالب درسی است. پژوهش‌ها در مورد کلیشه‌های جنسیتی بارها نشان داده‌اند که کلیشه‌های جنسیتی رایج، غالباً در متون درسی تقویت می‌شوند (ویت، ۱۹۹۶؛ طوبی، ۱۹۸۷؛ آدلر و دیگران، ۱۹۹۲؛ ساریو^{۲۲} و دیگران، ۱۹۷۳؛ لو و شرارد، ۱۹۹۹؛ ایوانز و دیویس، ۲۰۰۰؛ تایلور^{۲۳}، ۲۰۰۳). به‌عنوان مثال، وایتزمن و دیگران (۱۹۷۲) با تحلیل محتوای کتاب‌های تصویری کودکان در طی سی‌سال متوالی نشان می‌دهند که زنان نسبت به مردان، در سه محور عناوین، شخصیت‌های اصلی و تصاویر مربوط به کتاب‌های کودکان کمتر معرفی شده‌اند، پسران به‌صورت فعال و دختران به‌صورت منفعل و مردان برخوردار از حرفه و تخصص و زنان در نقش مادری و همسر ترسیم شده‌اند. مطالعه‌های دیگر (کالینز و دیگران، ۱۹۸۴؛ کراب و بیلواسکی^{۲۴}، ۱۹۹۴). نیز نتایج فوق را تأیید کردند و نشان دادند که گرچه در گذر زمان تحولاتی چشم‌گیر در جهت تغییر الگوهای اشتغال و تکنولوژی اتفاق افتاده است، اما تجسم زنان در نقش‌های سنتی و خانگی در طول زمان هم‌چنان تداوم یافته است.

با وجود این، گودن و گودن (۲۰۰۱) در مرورشان بر ادبیات پژوهشی موجود درباره‌ی موضوع، ضمن مقایسه‌ی شواهد و داده‌های مورد استفاده در مطالعات مختلف، به این نتیجه می‌رسند که از تفاوت‌های جنسیتی منعکس شده در محتوای کتاب‌ها به‌گونه‌ای قابل ملاحظه در طول زمان کاسته شده و میل به سمت برابری افزایش یافته است. مطالعات کینمان و هندرسون^{۲۵} (۱۹۸۵) و ترنربوکر^{۲۶} (۱۹۹۶) نشان داد که نسبت

21. Witt

22. Saario

23. Taylor

24. Crabb and Bielwaski

25. Kinman and Henderson

26. Turner-Bowker

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۹۳

معرفی زنان به‌عنوان شخصیت اصلی، در مقایسه با مردان به ظاهر افزایش یافته است. با این حال، نتیجه‌ی جالب به‌دست‌آمده از مطالعات فوق این بود که زنان تنها هنگامی که شخصیت اصلی هستند نقش‌های غیر سنتی را بر عهده دارند و زمانی که شخصیت اصلی نیستند، باز به همان نقش‌های سنتی برمی‌گردند.

در مجموع، با وجود این که متغیرها و نمونه‌های منتخب از بین کتاب‌های مورد تحلیل در مطالعات فوق متفاوت بوده است، نتایج آن‌ها به‌طور یکسان بر وجود تمایزهای جنسیتی آشکار در محتوای کتاب‌های آموزشی کودکان تأکید دارد. نتایج مطالعات انجام‌شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که وجود کلیشه‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی امری جهانی است و به‌رغم کم و زیاد بودن آن در کشورهای مختلف، در همه‌ی کشورهای جهان وجود دارد (یونسکو^{۲۷}، ۱۹۸۲؛ استرام‌کویست^{۲۸}، ۱۹۷۷). شواهد موجود نشان می‌دهد که در محتوای کتاب‌های درسی، نقش‌های زنان و مردان در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی و کشورهای در حال توسعه اساساً مشابه یکدیگر ترسیم شده است (استرام‌کویست، ۱۹۷۷). نتایج تحقیق گسترده‌ی یونسکو (۱۹۸۲) در هفت کشور دنیا (چین، فرانسه، کویت، نروژ، پرو، اوکراین و زامبیا) نیز نشان داد که کلیشه‌های جنسیتی در کتب درسی با قدری تفاوت در تمامی کشورهای مورد مطالعه وجود داشته است.

یافته‌های مطالعات در ایران نیز هم‌سو با مناطق دیگر جهان، بر بازتولید کلیشه‌های جنسیتی در محتوای کتاب‌های درسی اشاره کرده‌اند. به‌عنوان مثال، داده‌های مطالعه‌ی حجازی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که حضور زنان و دختران در کتاب‌های درسی کمتر از حضور مردان و پسران است. زنان هویت شغلی مستقل و تعریف‌شده ندارند و حضور آن‌ها در عرصه‌های علمی، سیاسی، ورزشی، مذهبی و تاریخی بسیار محدود است. نتایج پژوهش صداقت و زاهد (۱۳۷۴) بر روی تصویرهای کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی بیان‌گر حضور پررنگ کلیشه‌های جنسیتی در این کتاب‌ها بود. به‌گونه‌ای که از کل تصویرهای مربوط به محیط کار که در این تحقیق مطالعه شد ۸۸ درصد متعلق به مردان و ۲۲ درصد تصاویر متعلق به حضور زنان در محل کار بود.

مطابق با ادبیات نظری و تجربی، یکی از فرضیه‌های تحقیق حاضر این است که محتوای کتاب‌های فارسی گرایش دارند تا خصوصیت‌ها و رفتارهای زنان و مردان را به‌صورت کلیشه‌ای مجسم کنند. به‌عبارت دیگر انتظار می‌رود که در محتوای مواد درسی تحت مطالعه، فقدان تعادل به نفع مردان وجود داشته باشد و

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۹۴

حضور زنان و دختران در کتاب‌های درسی کمتر از حضور مردان و پسران باشد. تحقیقات نشان داده‌اند که کتاب‌های آموزشی به‌صورت مداوم مهارت‌های لازم را در جهت ایفای وظایف والدین و نقش‌های جنسیتی مرتبط با آن برای کودکان فراهم می‌کنند (راگ و راکلیف^{۲۹}، ۱۹۹۸؛ آندرسون و هامیلتون^{۳۰}، ۲۰۰۵). از این‌رو، شیوه‌ی ارایه‌ی وظایف و مسئولیت‌های والدین در این کتاب‌ها می‌تواند تأثیری مستقیم بر نگرش‌ها، انتظارات و حتی رفتارهای والدین و کودکان داشته باشد. از سویی، با توجه به این‌که کتاب‌های درسی دوره‌ی دبستان، مشخصاً برای دانش‌آموزانی نوشته شده است که در سنین پایین (کودکی و نوجوانی) قرار دارند، بنابراین به‌طور طبیعی انتظار می‌رود که برای آموزش الگوهای رفتاری برای این سنین، از مضامین و تصاویری استفاده کنند که تأکیدی بیشتر بر گروه هم‌سالان در مقایسه با بزرگ‌سالان داشته باشند. زیرا تأثیر گروه هم‌سالان در فرایند جامعه‌پذیری اهمیتی بیشتر نسبت به والدین و بزرگ‌سالان دارد. در عین حال، چون اهمیت نقش مادر در مقایسه با نقش پدر، هم از نظر عاطفی و هم تربیتی، تأثیرگذارتر است و معمولاً مادران زمانی بیشتر را به مراقبت از فرزندان می‌پردازند (ترنتون و کمپورن^{۳۱}، ۱۹۸۷)، انتظار می‌رود که محتوای کتاب‌های درسی شخصیت مادر را نسبت به پدر بیشتر منعکس کند.

از دیدگاه تاریخی، در جامعه‌ی ایران اهمیت شبکه‌ی خویشاوندی در زندگی فردی قابل‌ملاحظه بوده است و بخشی عمده از هویت فردی در ارتباط با شبکه‌ی خویشاوندی‌اش، به‌مخصوص خویشان پدری تعریف می‌شد (عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۲؛ بهنام، ۱۳۵۵). متناسب با این ویژگی فرهنگی و تاریخی، انتظار بر آن است که محتوای کتاب‌های فارسی دبستان نیز این ویژگی تاریخی خانواده را بازتولید و خویشان مذکر را شاخص‌تر از خویشان مؤنث منعکس کنند.

ساختار جنسیتی مشاغل در جامعه یکی از مؤلفه‌های مهم برابری جنسیتی در جامعه است. با توجه به آن‌که در فرهنگ سنتی جامعه‌ی ایران، مسئولیت تأمین معاش خانواده بر عهده‌ی مردان بوده است (عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴) انتظار می‌رود که این ویژگی در محتوای کتاب‌های درسی نیز بازتاب یابد و مردان نسبت به زنان مشاغلی بیشتر را در اختیار داشته باشند. در عین حال، با توجه به تغییرات

29. Raag and Rackliff

30. Anderson and Hamilton

31. Thornton and Camburn

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۹۵

اقتصادی- اجتماعی معاصر در جامعه‌ی ایران، انتظار می‌رود که گرایش محتوای دروس به ارایه‌ی نقش‌های شغلی بیشتر برای زنان در طول زمان بیشتر شود.

روش تحقیق

در مطالعه‌ی حاضر، کتاب درسی فارسی سال‌های دوم تا پنجم مقطع ابتدایی برای مطالعه انتخاب شد.^{۳۲} محتوای کتاب‌های درسی دوره‌ی دبستان بیش از سایر مقاطع تحصیلی حایز اهمیت است زیرا محتوای آموزشی ارایه‌شده در این مقطع، نقش قاعده‌ی هرم را در طی دوره‌های تحصیلی ایفا می‌کند (رضوی و نظرعلی، ۱۳۸۵). علاوه بر این، چون دوره‌ی دبستان مقطعی است که کودکان به‌تازگی از محیط خانه جدا شده‌اند و بنا بر مقتضیات سنی خاص‌شان هنوز تجربه‌ی لازم و کافی برای قضاوت درست را ندارند، استعدادی فراوان برای تأثیرپذیری دارند (کمسیون حقوق بشر ایالات متحده، ۱۹۸۰).

دلیل انتخاب کتاب‌های فارسی، اهمیت ویژه‌ی آموزشی آن در دوران تحصیل فرد است. کتاب‌های فارسی دربرگیرنده‌ی موضوع‌ها و مطالب متنوع علمی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی است که می‌تواند به‌عنوان پایه و اساس دروس دیگر در مقاطع مختلف تحصیلی قرار گیرد. علاوه بر این، فارسی زبان رسمی است و نظام آموزشی برای بیان مفاهیم، ایده‌ها، سنت‌ها و هنجارهای جامعه از آن استفاده می‌کند و شواهد نشان می‌دهد که تأثیر یک هنجار یا ارزش خاص بر نگرش و رفتار دانش‌آموز- زمانی که در کلاس درس فارسی و در قالب یک داستان، شعر یا قطعه‌ی ادبی آموخته می‌شود- احتمالاً بیش از سایر دروس است. این امر می‌تواند اهمیت تأثیر مقطع ابتدایی و به‌خصوص درس فارسی باشد.

با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا در این تحقیق، محتوای مطالب و تصویرهای درج‌شده در کتاب‌های درسی فارسی دوم تا پنجم ابتدایی، به‌صورت کمی مطالعه شده است. در این‌جا، محتوای کتاب‌های یادشده از نظر شیوه‌ی ارایه‌ی نقش‌های جنسیتی در چهار مؤلفه‌ی مختلف بررسی شده‌اند که عبارتند از: نحوه‌ی انعکاس نقش‌های جنسیتی در تصویرهای به تفکیک سن، شیوه‌ی انعکاس نقش‌ها در متون با تأکید بر جنسیت والدین، انعکاس جنسیت در متون با تأکید بر اقوام و خویشاوندان، انعکاس نقش‌های شغلی در متون با تأکید بر جنسیت.

^{۳۲} در حال حاضر، کتاب آموزشی مورد استفاده در سال اول ابتدایی فاقد متن است و در آن آموزش تنها از طریق تصویرها و عکس‌ها صورت می‌پذیرد، لذا در این مطالعه مورد تحلیل واقع نشد.

شیوه‌ی کار به این ترتیب بوده است که ابتدا منابع و تحقیقاتی مطالعه شد که در این زمینه در داخل و خارج از کشور یافت می‌شد. سپس شاخص‌های چهارگانه‌ی تحقیق که در فوق اشاره گردید برای مطالعه انتخاب شدند. در این تحقیق، واحد متن؛ هر یک از دروس مطرح شده در کتاب‌های فارسی (به‌طور مثال درس اول فارسی سال دوم دبستان)، واحد ثبت؛ عناصر درون متن (کلمه‌ها و تصاویر)، واحد شمارش؛ تعداد اسامی، تصویرها، مشاغل و خویشاوندان و بالاخره واحد تحلیل؛ جنسیت (مذکر و مؤنث بودن) بوده است. در هر پایه‌ی تحصیلی در مقطع ابتدایی، دو کتاب فارسی با عناوین «بخوانیم» و «بنویسیم» وجود دارد که به این ترتیب، در مطالعه‌ی حاضر به‌طور مجموع هشت کتاب تحلیل شد. کتاب‌های فارسی مورد استفاده در تمامی پایه‌های تحصیلی، همگی از نظر تعداد و نام‌گذاری فصول مشترکند. هر چند که در هر پایه‌ی تحصیلی، محتوای دروس متفاوتند. در تمامی پایه‌ها کتاب‌ها شامل هشت فصل و ۲۲ درس هستند. عنوان فصل‌ها عبارتند از: نهادها، بهداشت، اخلاق فردی و اجتماعی، دانش و دانشمندان، مسایل دینی، ملی و میهنی، طبیعت، هنر و ادبیات. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل کلیه‌ی مطالب و تصویرهای ارائه‌شده در کتاب‌های درسی فارسی کلاس دوم تا پنجم ابتدایی است. از آن‌جا که کلیه‌ی مطالب و تصویرهای این کتاب‌ها مطالعه شده‌اند، جامعه‌ی آماری و حجم نمونه‌ی پژوهش یکسان است. داده‌های این تحقیق با استفاده از پرسش‌نامه‌ی معکوس جمع‌آوری شد که بر اساس مقوله‌بندی تهیه شده بود. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، بر اساس یک مطالعه‌ی مقدماتی، مفاهیم و مقوله‌های جنسیتی مشخص و سپس بر اساس یک پرسش‌نامه‌ی معکوس، کدگذاری و استخراج شدند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss تحلیل شدند.

یافته‌ها

نقش‌های جنسیتی در تصاویر

در کتاب‌های مورد مطالعه، تصاویری بسیار وجود داشت که بعضی از این تصاویر جمعی بود. در مجموع ۱۷۰۰ نفر در تصویرهای این کتاب‌ها نمایش داده شده است. جدول (۱)، تنها نحوه‌ی توزیع تصویرهای ارائه‌شده در کتاب‌های درسی را بر حسب پایه‌ی تحصیلی و به تفکیک جنس نشان می‌دهد. اولین نکته‌ای که از خلال داده‌های جدول به نظر می‌رسد این است که در همه پایه‌های تحصیلی دوم تا پنجم ابتدایی،

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۹۷

تصاویر مربوط به جنس مذکر به‌وضوح بیشتر از تصاویرها مربوط به جنس مؤنث است به‌طوری‌که نسبت استفاده از تصاویرهای مذکر ۷۵ درصد (معادل ۱۲۷۲ مورد) و نسبت استفاده از تصاویرهای مؤنث ۲۵ درصد (معادل ۴۲۸ مورد) است. بیشترین تصویر متعلق به جنس مذکر در کتاب پایه‌ی چهارم ابتدایی بوده که ۸۵ درصد از کل تصاویرهای این پایه را به خود اختصاص داده است و در مقابل، بیشترین تصویر متعلق به جنس مؤنث در کتاب پایه‌ی دوم ابتدایی بوده که حدود ۳۹ درصد از کل تصاویرها این پایه را در بر گرفته است. یافته‌های جدول هم‌چنین نشان می‌دهند که رابطه‌ای معکوس بین پایه‌ی تحصیلی و تأکید تصاویرها بر جنس مؤنث وجود دارد. به‌عبارت دیگر، با افزایش پایه‌ی تحصیلی، تأکید بر جنس مذکر افزایش و تأکید بر جنس مؤنث کاهش یافته است.

جدول (۱) نسبت تأکید بر جنسیت برحسب پایه‌ی تحصیلی و سن در تصویرها*

جنسیت و سن پایه‌ی تحصیلی	مذکر				مؤنث				نسبت تصویرها	
	کودک و نوجوان		بزرگ‌سال		کودک و نوجوان		بزرگ‌سال		مؤنث	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
دوم	۶۵	۱۸۷	۳۸	۱۱۲	۶۲	۲۸۷	۶۱	۱۸۱	۳۹	۱۰۰
سوم	۶۳	۱۸۹	۳۷	۳۴	۶۶	۲۹۸	۷۳	۱۱۰	۲۷	۱۰۹
چهارم	۲۷	۱۱۹	۱۲	۱۵	۶۶	۴۴۵	۸۵	۷۸	۱۵	۳۲۶
پنجم	۳۴	۸۳	۲۴	۴۱	۵۹	۲۴۲	۸۰	۵۹	۲۰	۱۵۹
جمع	۴۵	۵۷۸	۱۴۲	۳۳	۶۷	۱۲۷۲	۷۵	۴۲۸	۲۵	۶۹۴

دومین نتیجه‌ای که از جدول (۱) می‌توان گرفت این است که زنان بیشتر در نقش‌های کودکانی و نوجوانی و مردان به‌طور عمده در نقش‌های بزرگ‌سالی مجسم شده‌اند. مقایسه‌ی توزیع سنی تصاویرهای زنان و مردان نشان می‌دهد که حدود ۶۷ درصد از کل تصاویرهای جنس مؤنث در تمامی پایه‌های تحصیلی، زنان را در سنین خردسالی و نوجوانی و تنها ۳۳ درصد آن‌ها را در سنین بزرگ‌سالی ترسیم کرده‌اند. در مقابل، سهم مردانی که در سنین کودکی و نوجوانی به تصویر درآمده‌اند ۴۵ درصد و نسبت مردان در سنین بزرگ‌سالی معادل ۵۵ درصد است. ملاحظه‌ی پایه‌های مختلف تحصیلی نیز نشان می‌دهد که در تصاویرهای کتاب چهارم دبستان، بیشترین سهم درصدی مردان در «سنین بزرگ‌سالی» (۷۳ درصد) و در مقابل، در همین پایه، بیشترین سهم درصدی زنان در «سنین کودکی و نوجوانی» (۸۵ درصد) ترسیم شده‌اند.

انعکاس جنسیت والدین در متون

در جدول (۲)، به تکرار عنوان والدین در کتاب‌ها به تفکیک جنس و پایه تحصیلی توجه شده است. اطلاعات جدول نشان می‌دهد در مجموع ۳۸۶ بار عناوین والدین در کتاب‌های مورد تحلیل ذکر شده است. در مقوله‌ی معرفی والدین، کاربرد کلمه‌ی مادر ۵۲ درصد (۲۰۰ مورد) نسبت به پدر ۳۷ درصد (۱۴۳ مورد) است. در این مقوله جمع عنوان مادر و مامان ۵۳ درصد (۲۰۳ مورد) و در مقابل جمع عنوان بابا و پدر ۴۷ درصد (۱۸۳ مورد) است. در واقع این تنها موردی است که انعکاس نقش‌های جنسیتی زنان بیش از مردان است. شاید دلیل اصلی این باشد که جای‌گاه مادر در نظام فرهنگی کشور ما بسیار مقدس و مهم است و این اهمیت به متون درسی نیز وارد شده است.

مطالعه‌ی کاربرد عناوین والدین در پایه‌های مختلف تحصیلی نیز نشان‌دهنده‌ی آن است که در کتاب‌های پایه‌ی دوم و سوم، جنسیت مؤنث به مراتب بیشتر تکرار شده است اما در کتاب‌های چهارم و پنجم، جنسیت مذکر بیشتر ذکر شده است.

جدول (۲) تکرار عنوان والدین در کتاب‌های فارسی

برحسب پایه‌ی تحصیلی به تفکیک جنس

والدین	مذکر			مؤنث		پایه‌ی تحصیلی
	پدر	بابا	جمع	مامان ^{۳۳}	جمع	
دوم	۵۷	۶	۶۳	۳	۶۶	
سوم	۳۷	۰	۳۷	۰	۶۸	
چهارم	۴۷	۸	۵۵	۰	۴۹	
پنجم	۲	۴۶	۲۸	۰	۲۰	
جمع	۱۴۳	۴۰	۱۸۳	۳	۶۶	

نکته‌ی دیگر که از جدول (۲) می‌توان نتیجه گرفت این است که در حوزه‌ی معنایی اسامی خویشاوندی، از گونه‌ی غیر رسمی واژه‌ی «پدر» یعنی «بابا» به مراتب بیش از گونه‌ی غیر رسمی واژه‌ی «مادر» یعنی «مامان» استفاده شده است. به طوری که استفاده از واژه‌ی «بابا» حدود ۴۰ بار بوده است و حال آن‌که واژه‌ی «مامان» تنها در کتاب پایه‌ی دوم، سه بار استفاده شده است.

^{۳۳} عنوان مامان، هر ۳ بار در کتاب پایه دوم آورده شده است.

انعکاس جنسیت خویشاوندان در متون

در جدول (۳) معرفی مقوله‌ی جنسیتی خویشاوندان بر حسب پایه‌های مختلف تحصیلی نشان داده شده است. همان‌طور که اطلاعات جدول نشان می‌دهد، در مجموع ۱۵۳ مورد عناوین اقوام و خویشاوندان در متون مورد مطالعه استفاده شده است که از این تعداد ۶۱ درصد (۹۴ مورد) عناوین خویشان مذکر و ۳۹ درصد (۵۹ مورد) عناوین خویشان مؤنث بوده است. عنوانی که بیشترین تکرار را داشته، پدربزرگ و آقاجون با ۳۷ درصد (۵۷ مورد) بوده است و در مقابل، عناوین پسرعمه، پسردهی و دخترخاله اصلاً تکرار نشده است. ضمناً عنوان‌های دخترعمه، پسرخاله و دختردهی در کتاب‌های فارسی دوم تا پنجم وجود ندارد.

جدول (۳) معرفی مقوله‌ی جنسیتی خویشاوندان در کتاب‌های فارسی

دوره ابتدایی بر حسب پایه‌ی تحصیلی

مؤنث					مذکر					خویشاوند
جمع	سایر ^{۳۰}	خواهر	عمه	مادربزرگ و بی‌بی‌جان	جمع	سایر ^{۳۴}	برادر	عمو	پدربزرگ و آقاجون	پایه‌ی تحصیلی
۲۴	۵	۱۶	۲	۱	۲۹	۶	۱۸	۱	۴	دوم
۲۱	۰	۳	۰	۱۸	۲۷	۰	۴	۰	۲۳	سوم
۱۳	۱	۶	۳	۳	۱۳	۰	۱	۶	۶	چهارم
۱	۰	۱	۰	۰	۲۵	۰	۱	۰	۲۴	پنجم
۵۹	۶	۲۶	۵	۲۲	۹۴	۶	۲۴	۷	۵۷	جمع

مقایسه داده‌های جدول فوق با اطلاعات ارایه‌شده در جدول (۲) می‌تواند جالب توجه باشد. همان‌طور که اشاره شد در جدول (۲) نسبت کاربرد واژه‌ی مادر بیشتر از پدر بود و کمتر بر نقش پدر تأکید شده است. در مقابل، اطلاعات جدول (۳) نشان می‌دهد که انعکاس مقوله‌ی پدربزرگ و آقاجون به‌مراتب بیش از مقوله‌ی مادربزرگ و بی‌بی‌جان است.

مطالعه‌ی پایه‌های مختلف تحصیلی نشان می‌دهد که در پایه‌های دوم، سوم و پنجم تحصیلی، معرفی خویشان مذکر بیشتر از خویشان مؤنث صورت گرفته است. بیشترین اختلاف در پایه‌ی پنجم ابتدایی است که تنها یک مورد برای اقوام مؤنث و در مقابل، ۲۵ مورد برای اقوام مذکر ذکر شده است. در پایه‌ی چهارم

^{۳۴}. گزینه‌ی سایر شامل؛ دایی، پسرعمه، پسرعمو و پسردهی است.

^{۳۵}. گزینه‌ی سایر شامل؛ خاله، دخترخاله و دخترعمو است.

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۱۰۰

ابتدایی، نسبت معرفی خویشان مؤنث و مذکر یکسان است در حالی که در هیچ کدام از پایه‌ها نسبت خویشان مؤنث بیشتر از خویشان مذکر نیست.

انعکاس نقش‌های شغلی در متون

بر اساس داده‌های جدول شماره (۴)، در مجموع ۴۹۷ عنوان شغل در متون درسی گزارش شده است که از این تعداد تنها ۱۰ درصد (۵۰ مورد) به مشاغل زنانه و ۴۱ درصد (۲۰۲ مورد) به مشاغل مردانه اختصاص یافته است و بقیه (۲۴۵ مورد) که تقریباً شامل نیمی از مشاغل می‌شود؛ مشاغلی است که جنسیت در آن قید نشده و جهت‌گیری جنسی ندارد.

در بین پایه‌های مختلف تحصیلی، پایه‌ی دوم با ۱۴۵ عنوان، بیشترین و در مقابل، پایه‌ی چهارم با ۹۰ عنوان، کمترین انعکاس و معرفی مشاغل را به خود اختصاص داده‌اند. نکته‌ی قابل توجه، سیر نزولی مشاغل مؤنث در بین پایه‌های مختلف تحصیلی است. به عبارت دیگر با افزایش پایه‌ی تحصیلی، معرفی تعداد مشاغل مربوط به زنان کاهش یافته است.

جدول (۴) معرفی مشاغل با و بدون تأکید بر جنسیت

جمع	جنسیت			پایه‌ی تحصیلی	جنسیت
	تعداد	بدون تأکید	مؤنث		
۲۹	۱۴۵	۷۴	۱۶	۵۵	دوم
۲۷	۱۳۲	۶۱	۱۴	۵۷	سوم
۱۸	۹۰	۳۳	۱۴	۴۳	چهارم
۲۶	۱۳۰	۷۷	۶	۴۷	پنجم
---	۴۹۷	۲۴۵	۵۰	۲۰۲	جمع
۱۰۰	---	۴۹	۱۰	۴۱	درصد

نکته‌ی قابل توجه دیگر، تعداد زیادی از مشاغل است که بدون تأکید بر جنسیت معرفی شده‌اند. بسیاری از داستان‌ها به صورتی تعریف شده‌اند که خواننده - چه جنس مذکر باشد و چه جنس مؤنث - می‌تواند با آن هم‌زادپنداری کند؛ یعنی در اکثر داستان‌ها جنسیت قهرمان داستان مشخص نشده است. به عنوان نمونه در کتاب «بنویسیم» پایه‌ی چهارم در داستان «شاید این قطره آب» چند مورد از شخصیت‌ها این گونه معرفی شده‌اند: مردم، مأموران سازمان آب، مأموران آتش‌نشانی و... که بر جنسیتی خاص تأکید نداشته است یعنی وقتی دانش‌آموز کتاب‌های درسی را مطالعه می‌کند مشاغلی مثل کشاورزی، نانوا، باغبانی، بازرگانی،

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۱۰۱

آتش‌نشانی، خبرنگاری و... را صرف‌نظر از جنسیتش می‌تواند به‌عنوان شغل آینده تصور کند. لازم به توضیح است که مشاغل مانند آموزگار یا معلم (۵۳ بار)، پزشک یا دکتر (۳۴ بار)، نویسنده (۲۱ بار) و شاعر (۱۵ بار) بیشترین تکراری است که هیچ اشاره‌ای به مذکر یا مؤنث بودن نوع شغل نشده است (اطلاعات در جدول منعکس نشده است).

هیگنس و شعارغفاری^{۳۶} (۱۹۹۱) انعکاس نقش‌های جنسیتی مشاغل را در محتوای دروس مقطع ابتدایی دوره‌ی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با یکدیگر مقایسه کردند. جدول (۵) نتایج مطالعه‌ی مزبور را با یافته‌های مطالعه حاضر مقایسه می‌کند. گزارش اطلاعات جدول، منطبق بر مطالعه‌ی قبلی منعکس شده است تا امکان مقایسه‌ی نتایج را در سه مقطع زمانی مختلف میسر و بتواند روند زمانی تغییر در شیوه‌ی ترسیم نقش‌های جنسیتی را در کتاب‌های درسی طی چند دهه‌ی اخیر منعکس کند.

جدول (۵) نشان می‌دهد که تعداد مشاغل معرفی شده در محتوای کتب درسی از ۹۹ مورد در سال ۱۳۴۸ به ۹۲ مورد در سال ۱۳۷۰ کاهش یافته و سپس به‌گونه‌ای قابل ملاحظه به ۲۵۲ مورد در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است. با وجود افزایش چشم‌گیر تعداد مشاغل در دوره‌ی اخیر، فراوانی نسبی مشاغل زنانه کاهش یافته و برعکس، فراوانی نسبی مشاغل مردانه افزایش یافته است. نسبت مشاغل زنانه به کل مشاغل با طی کردن یک روند نزولی از ۴۰/۲ درصد در سال ۱۳۴۸ به ۲۶/۱ درصد در سال ۱۳۷۰ و سپس به ۱۹/۴ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش یافته است.^{۳۷}

جدول (۵) انعکاس مشاغل مردانه و زنانه در متون درسی دوره‌های مختلف

مشاغل		سال ۱۳۴۸		سال ۱۳۷۰		سال ۱۳۸۶	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
زن	حرفه‌ای و تخصصی	۱۴	۳۸	۷	۲۹	۳۴	۶۸
	کشاورزی	۵	۱۳	۲	۸	۱۳	۲۶
	خانه‌داری	۱۸	۴۹	۱۵	۶۲	۳	۶
	جمع	۳۷	۱۰۰	۲۴	۱۰۰	۵۰	۱۰۰
مرد	حرفه‌ای و تخصصی	۲۷	۴۳	۲۵	۳۷	۱۱۰	۵۴
	کشاورزی	۱۹	۳۱	۲۲	۳۲	۲۵	۱۲
	مشاغل یدی	۶	۱۰	۵	۷	۳۸	۱۹
	تجاری	۷	۱۱	۱۳	۱۹	۲۶	۱۳

^{۳۶} Higgins and Shoar-Ghaffari

^{۳۷} نسبت مشاغل زنانه از تقسیم جمع مشاغل زنانه بر جمع کل مشاغل هر دوره به‌دست آمده است.

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۱۰۲

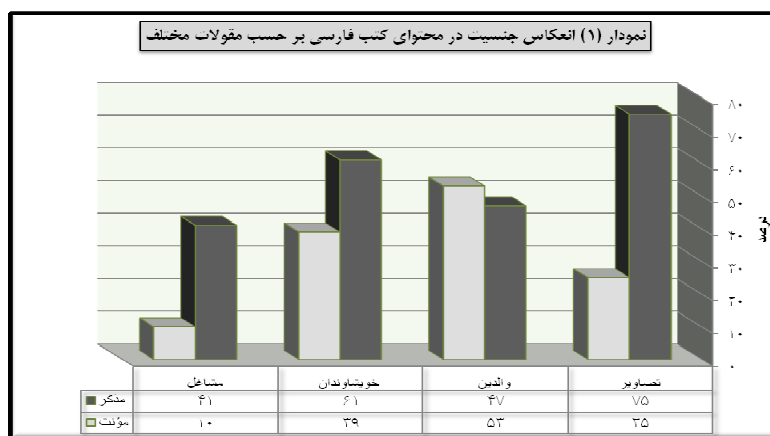
ادامه‌ی جدول (۵) انعکاس مشاغل مردانه و زنانه در متون درسی دوره‌های مختلف

سال ۱۳۸۶		سال ۱۳۷۰		سال ۱۳۴۸		فراوانی	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	مشاغل	
۲	۳	۴	۳	۵	۳	نظامی	مرد
۱۰۰	۲۰۲	۱۰۰	۶۸	۱۰۰	۶۲	خانه‌داری	
---	۲۵۲	---	۹۲	---	۹۹	جمع	
۶۸	۳۴	۲۹	۷	۳۸	۱۴	جمع کل	

مطالعه‌ی نقش‌های اختصاص‌یافته به زنان نشان می‌دهد که در طول سه دوره‌ی مزبور، انتساب نقش خانه‌داری به زنان از ۴۹ درصد در سال ۱۳۴۸ به ۶۲ درصد در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته و سپس به‌طوری چشم‌گیر به ۶ درصد در دوره‌ی اخیر تقلیل یافته است. از طرف دیگر، ترسیم زنان در نقش‌های حرفه‌ای و تخصصی افزایش یافته و از ۳۸ درصد در سال ۱۳۴۸ به ۶۸ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده است. اطلاعات جدول هم‌چنین نشان می‌دهد که ارایه‌ی نقش مردان در مشاغل کشاورزی از ۳۱ درصد در سال ۱۳۴۸ به ۱۲ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش یافته و در مقابل، ارایه‌ی نقش زنان در مشاغل کشاورزی در دوره‌ی مذکور از ۱۳ درصد به ۲۶ درصد افزایش یافته است.

جمع‌بندی

نمودار (۱)، نحوه‌ی ارایه‌ی مقوله‌ی جنسیت را در محتوای کتاب‌های فارسی دبستان برحسب مؤلفه‌های مختلف مورد مطالعه در تحقیق حاضر، یعنی تصاویر، والدین، اقوام و مشاغل به‌صورت خلاصه و گویا نشان می‌دهد.



* تفاوت موجود در جمع درصدهای مربوط به مشاغل با عدد ۱۰۰ به خاطر حذف گزینه «بدون تأکید بر جنسیت» در نمودار است.

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، شیوه‌ی بازتولید نقش‌های جنسیتی در محتوای کتاب‌های فارسی دوره‌ی دبستان مطالعه شده است. با توجه به اهمیت کتاب‌های فارسی در شکل‌دهی باورها و رفتارهای کودکان و جدیدالتألیف بودن محتوای آن‌ها، با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، مضمون مطالب و تصویرهای درج‌شده در کتاب‌های فارسی دوم تا پنجم ابتدایی مطالعه شده است و شیوه‌ی انعکاس نقش‌ها و باورهای جنسیتی در چهار مؤلفه‌ی تصویرها، خویشاوندان، والدین و نقش‌های شغلی مطالعه شد.

یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که در همه‌ی پایه‌های تحصیلی دوم تا پنجم ابتدایی، تصویرهای مربوط به جنس مذکر به‌وضوح بیشتر از تصویرهای مربوط به جنس مؤنث است به‌طوری‌که سهم مردان در تمامی پایه‌های تحصیلی معادل ۷۵ درصد از کل تصویرهای ارایه شده است. علاوه بر این، زنان بیشتر در نقش‌های کودکی و نوجوانی و مردان عمدتاً در نقش‌های بزرگ‌سالی به تصویر کشیده شده‌اند. به‌طوری‌که زنان از بین تصویرهای مربوط به جنس مؤنث، تنها در حدود یک‌سوم از موارد در نقش‌های بزرگ‌سالی ترسیم شده‌اند (که این نسبت معادل ۸/۴ درصد از کل تصویرها است). در مقابل، بیش از نیمی از تصویرها مربوط به جنس مذکر (حدود ۴۱ درصد از کل تصاویر)، مردان را در سنین بزرگ‌سالی منعکس کرده‌اند. این یافته‌ها انتظار تئوریک تحقیق حاضر مبنی بر وجود فقدان تعادل در محتوای مواد درسی به نفع مردان را تأیید می‌کند و در ضمن، هم‌سو با نتایج مطالعات قبلی انجام شده در این زمینه است (طوبی، ۱۹۸۷؛ هیگنس و شعارغفاری، ۱۹۹۱؛ حجازی، ۱۳۸۵؛ شیخاوندی، ۱۳۸۵). به‌عنوان مثال، هم‌سو با نتایج فوق، یافته‌های مطالعه‌ی حجازی (۱۳۸۵)، نیز فقدان تعادل نقش‌های جنسی را در محتوای کتاب‌های درسی به نفع مردان گزارش کرده است. به‌طوری‌که بر مبنای نتایج مطالعه‌ی یادشده، حضور زنان و دختران در کتاب‌های درسی کمتر از حضور مردان و پسران است و نقش خانوادگی زنان و دختران نیز عمدتاً به وظایف خانگی محدود شده است. علاوه بر این، حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، علمی، ورزشی و دینی بسیار کمتر از مردان ترسیم شده است.

در مقوله‌ی معرفی والدین فرضیه‌ی تحقیق بر این بود که محتوای کتاب‌های درسی شخصیت مادر را نسبت به پدر بیشتر منعکس کرده‌اند. داده‌ها نیز فرضیه‌ی فوق را تأیید می‌کند. به‌عبارت دیگر، در مقوله‌ی معرفی والدین، انعکاس نقش‌های جنسیتی زنان بیش از مردان بوده است. یافته‌های مطالعه‌ی حاضر هم‌سو با نتایج یک مطالعه‌ی قبلی است که نشان می‌دهد پدر در تصاویر مربوط به کتاب‌های کودکان کم‌رنگ‌تر از مادر و به تعبیری «نامری»^{۳۸} مجسم شده است (آندرسون و همیلتون، ۲۰۰۵).

مطابق با یکی دیگر از فرضیه‌های تحقیق، انتظار می‌رفت که محتوای کتاب‌ها ویژگی تاریخی خانواده و اهمیت خویشان مذکر در فرهنگ سنتی جامعه را بازتولید و شبکه‌ی خویشان مذکر را شاخص‌تر از خویشان

مؤنث منعکس کنند. تحلیل داده‌ها مبین آن است که کتاب‌های درسی خویشان مذکر را به‌گونه‌ای محسوس بیش از خویشان مؤنث منعکس کرده‌اند. به‌طوری که نسبت انعکاس خویشاوندان مذکر کمی بیش از سه‌پنجم است. با این حال، در این زمینه بیشترین تفاوت مربوط به انعکاس مقوله‌ی پدربزرگ و آقاجون در مقایسه با مقوله‌ی مادر بزرگ و بی‌بی‌جان بوده است.

یافته‌های مطالعه هم‌چنین نشان می‌دهد که تعداد و تنوع مشاغل معرفی شده در محتوای کتب درسی افزایش یافته است. با وجود این، در سال‌های اخیر نسبت مشاغل زنانه به کل مشاغل کاهش یافته و برعکس، نسبت مشاغل مردانه افزایش یافته است. نتایج نشان می‌دهد که انتساب نقش خانه‌داری به زنان کمتر و از طرف دیگر، ترسیم زنان در نقش‌های حرفه‌ای و تخصصی بیشتر شده است. آرایه‌ی نقش مردان در مشاغل کشاورزی نیز کاهش و در مقابل، آرایه‌ی نقش زنان در مشاغل کشاورزی افزایش داشته است. سرانجام این که تعداد زیادی از مشاغل بدون تأکید بر جنسیت معرفی شده‌اند به این معنی که در اکثر دروس، جنسیت قهرمان داستان مشخص نشده است.

در کل، در سال‌های اخیر تغییراتی مهم در تدوین کتاب‌های درسی انجام و محتوای آن‌ها بازنگری و اصلاح شده است. از نکات قابل توجه این تغییر می‌توان به مواردی نظیر آموزش کار جمعی، اهمیت دادن و احترام به قانون، تقویت تخیل، حفظ سرمایه‌های ملی و صرفه‌جویی، معرفی و ارزش‌گذاری بر میراث فرهنگی کشور آن اشاره کرد. با این حال، مطالعه‌ی شیوه‌ی آرایه‌ی نقش‌های جنسیتی نشان‌دهنده‌ی آن است که نه تنها توازنی در پرداختن به جنسیت، بلکه الگویی مشخص و نظام‌مند از توجه به مقوله‌ی جنسیت در بین پایه‌های مختلف تحصیلی و در مؤلفه‌های مورد مطالعه وجود ندارد. این نتایج به‌طور ضمنی اشاره می‌کند که تاکنون توجهی آگاهانه و هدف‌مند در پرداختن به مقوله‌ی جنسیت در محتوای کتاب‌های درسی وجود نداشته است. بازنگری و طراحی کتاب‌های درسی متناسب با نیازهای جدید و تغییرات اجتماعی معاصر، یکی از ضرورت‌هایی است که باید در بازنگری و طراحی کتاب‌های درسی، به‌صورت علمی و سنجیده به آن توجه شود. گرچه نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر حرکت به سمت برابری جنسیتی بیشتر در محتوای کتاب‌های درسی صورت گرفته است، اما به‌نظر می‌رسد که متون درسی باید به‌طور مستمر ارزیابی و تحقیقاتی بیشتر در این زمینه انجام شود. مطالعاتی دیگر نیز برای مطالعه‌ی تطبیقی محتوای جنسیت و سوگیری‌های توأم با آن در سایر مواد درسی و نیز دوره‌های تحصیلی بالاتر ضروری به‌نظر می‌رسد. مشخص کردن این که محتوای جنسیتی متون درسی چه تأثیری بر دانش‌آموزان دارد نیز یکی دیگر از خلاءهای پژوهشی است که در تحقیقات بعدی باید به آن توجه شود زیرا مطالعه‌ی میزان انطباق نگرش‌های دانش‌آموزان با تفکرات قالبی موجود در متن کتاب‌ها می‌تواند متضمن پیامدهای بعدی مهم و در شکل دادن به نقش‌های جنسی در نسل‌های بعدی حایز اهمیتی ویژه باشد.

منابع

- ایمانی، محسن و محمد مظفر (۱۳۸۳) «تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان و کتاب کار پایه دوم دبستان چاپ سال ۱۳۸۱ در مقایسه با تعلیمات دینی چاپ سال ۱۳۸۰»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۷، صص: ۱۴۲-۱۱۵.
- بهنام، جمشید (۱۳۵۵) ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران، تهران: خوارزمی.
- حجازی، الهه (۱۳۸۵) «اصلاح سیمای زن در کتاب‌های دوره ابتدایی: راهی به سوی دستیابی به فرصت‌های برابر»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳، پیاپی ۸۷، صص ۱۴۵-۱۲۱.
- رضوی، آمنه و پروانه نظرعلی (۱۳۸۵) «تحلیل محتوای کتاب تربیت بدنی (۱) اول دبستان آموزش و پرورش ۱۳۷۹»، پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۱، صص ۲۸-۱۵.
- سرایبی، حسن و محمدحسین بحرانی (۱۳۸۶) «کاربرد نتایج سرشماری‌های عمومی در بررسی ساختار و تحولات قشریندی اجتماعی ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۲، شماره ۳، صص ۲۹-۵.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۵) «بازتاب هویت‌های جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی آموزش ابتدایی و دوره راهنمایی تحصیلی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۸۷، صص ۱۲۰-۹۳.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و شیوا کریمی (۱۳۸۴) «کلیشه‌های جنسیتی سریال‌های تلویزیونی ایران (سال ۱۳۸۳)»، پژوهش زنان، شماره ۱۳، صص ۸۹-۵۹.
- صداقت، سعید و زهرا زاهد (۱۳۷۴) «نقش‌های جنسیتی در تصاویر کتاب‌های درسی دوره ابتدایی»، مجله فرزانه، شماره ۵.
- عباسی‌شواری، محمدجلال و عباس عسکری‌ندوشن (۱۳۸۴) «کاهش باروری و تغییر خانواده در ایران: مطالعه‌ی موردی در استان یزد» نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵، صص: ۷۵-۲۵.
- عریضی، سیدحمیدرضا و احمد عابدی (۱۳۸۲) «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی برحسب سازه انگیزه پیشرفت»، نوآوری‌های آموزشی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۵۴-۲۹.
- عسکری‌ندوشن، عباس (۱۳۸۲) «عوامل نهادی مؤثر بر باروری با تأکید خاص بر تحولات خانواده در ایران: مطالعه موردی در استان یزد»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران.
- هومین‌فر، الهام (۱۳۸۲) «تحول جامعه‌پذیری جنسیتی»، پژوهش زنان، شماره ۷، صص ۱۱۳-۸۹.
- Adler, P. A., S. J. Kless, and P. Adler** (1992) "Socialization to Gender Roles: Popularity among Elementary School Boys and Girls." *Sociology of Education*, 65 (3): 169-187.
- Anderson, D. A. and M. Hamilton** (2005). "Gender Role Stereotyping of Parents in Children's Picture Books: The Invisible Father." *Sex Roles*, 52(3/4): 145-151.
- Brint, S., M. F. Contreras, and M. T. Matthews** (2001) "Socialization Messages in Primary Schools: An Organizational Analysis." *Sociology of Education*, 74(3): 157-180.
- Collins, R.** (1977) "Some Comparative Principles of Educational Stratification." *Harvard Educational Review* 47: 1-27.
- Collins, L. J., Ingoldsby, B. B., and Dellman, M. M.** (1984) Sex-role stereotyping in children's literature: A change from the past. *Childhood Education*, 90, 278-285.
- Crabb, P. B., and Bielwaski, D.** (1994) The social representation of material culture and gender in children's books. *Sex Roles*, 30, 69-79.

- Evans L. and K. Davies** (2000) "No Sissy Boys Here: A Content Analysis of the Representation of Masculinity in Elementary School Reading Textbooks." *Sex Roles* 42(3/4): 255-270.
- Ginn, J. P.** (1973) *Treatment of Minority Groups and Women*. New York: Author.
- Glassner, B.** (1975) "Kid Society." *Urban Education*, 11: 5-22.
- Gooden, A. M. and M. A. Gooden** (2001) "Gender Representation in Notable Children's Picture Books: 1995-1999," *Sex Roles*, 45(1/2): 89-101.
- Higgins, P.H. and P. Shoar-Ghaffari** (1991) "Sex-Role Socialization in Iranian Textbooks" *NWSA Journal* 3(2): 213-232.
- Jackson, C. and J. Warin** (2000) "The Importance of Gender as an Aspect of Identity at Key Transition Points in Compulsory Education." *British Educational Research Journal*, 26 (3): 375 -391.
- Karabel, J. and A. H. Halsey** (1977)"Introduction." Pp. 1-69 in *Power and Ideology in Education*, edited by Jerome Karabel and A. H. Halsey. New York: Oxford University Press.
- Kinman, J. R., and Henderson, D. L.** (1985)An analysis of sexism in Newbery medal award books from 1977 to 1984. *The Reading Teacher*, 38, 885-889.
- Kolbe, R. and J.C. Voie** (1981) "Sex-Role Stereotyping in Preschool Children's Picture Books." *Social Psychology Quarterly*. 44 (4): 369-374.
- Law, K. W. K. and A. H. N. Chan** (2004) Gender Role Stereotyping in HongKong's Primary School Chinese Language Subject Textbooks. *AJWS* 10 (1): 49-69.
- Low, J. and P. Sherrard** (1999) Portrayal of Women in Sexuality and Marriage Family Textbooks: A Content Analysis of Photographs from the 1970s to the 1990s. *Sex Roles*, 40(3/ 4): 309-318.
- MacDonald, G** (1976) "The Politics of Educational Publishing," in G. Whitty and M. Young (eds.), *Explorations in the Politics of School Knowledge*, Driffield: Nafferton Books: 145-169.
- Measor, L., C. Tiffin, and K. Fry** (1996) "Gender and Sex Education: A Study of Adolescent Responses," *Gender and Education*, 8: 275-288.
- Mehran, G** (1989) "Socialization of Schoolchildren in the Islamic Republic of Iran," *Iranian Studies*, 22 (1): 35-50.
- Peterson, S. B., and Lach, M. A.** (1990) Gender stereotypes in children's books: Their prevalence and influence on cognitive and affective development. *Gender and Education*, 2, 185-197.
- Raag, T., and C. L. Rackliff,** (1998) Preschoolers' awareness of social expectations of gender: Relationships to toy choices. *Sex Roles*, 38, 685-700.
- Saario, T. N., C. N. Jacklin, and C. K. Tittle** (1973) "Sex Role Stereotyping in the Public Schools." *Harvard Education Review*, 43: 386-416

بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی ۱۰۷

- Shorish, M. M** (1988) "The Islamic Revolution and Education in Iran." *Comparative Education Review*, 32(1): 58-75.
- Stromquist, N** (1997) *Increasing Girls' and Women's Participation in Basic Education*, UNESCO Fundamentals of Educational Planning, Paris: UNESCO.
- Taylor, F** (2003) "Content Analysis and Gender Stereotypes in Children's Books." *Teaching Sociology*, 31: 300-311.
- Thornton, A. and D. Camburn** (1987) The Influence of Family on Premarital Sexual Attitudes and Behavior. *Demography* 24(3): 323-340
- Touba, J. R** (1987) "Cultural Effects on Sex Role Images in Elementary School Books in Iran: A Content Analysis after the Revolution," *International Journal of Sociology of the Family*, 17: 143-158.
- Turner-Bowker, D.M** (1996) Gender stereotyped descriptors in children's picture books: Does curious Jane exist in the literature? *Sex Roles*, 35, 461-488.
- US Commission on Civil Right** (1980) *Characters in Textbooks: A Review of the Literature*. Washington, D.C.: Clearinghouse Publication.
- UNESCO** (1982) *The Portrayal of Men and Women in Primary and Secondary School Textbooks (China, France, Kuwait, Norway, Peru, Ukraine, SSR , Zambia)*, UN: UNESCO Office of Public Information.
- Weitzman, L., D. Eifler, E. Hokada, and C. Ross** (1972) "Sex-Role Socialization in Picture Books for Pre-School Children." *American Journal of Sociology*, 77 (May): 1125-50.
- Witt, S. D** (1996) "Traditional or Androgynous: An Analysis to Determine Gender Role Orientation of Basal Readers," *Child Study Journal*, 26: 303-319.